

تحلیل روایی مبانی و اصول انتظار در بیانات آیت الله خامنه‌ای (مدظله)

خدامراد سلیمیان^۱

سیدحامد شاهرخی^۲

تاریخ دریافت: ۹۹/۳/۱۸ تاریخ پذیرش: ۹۹/۵/۹

چکیده

جوامع بشری همواره با چالش شهوت‌پرستی مواجه بوده و هستند. روایات مهدوی از نمود و بروز افراط در شهوت جنسی در آخرالزمان حکایت دارد و آن را از اشراط الساعة برشمرده و این دوران را به «بدترین دوران زندگی بشر» معرفی کرده است. پرده‌داری حجاب‌ها، گرایش شدید و سرعت به لذات حیوانی، حلال کردن حرام الهی در اطفاء غریزه جنسی و... از جمله نشانه‌های چنین رفتاری در عصر غیبت است که وجه اشتراک همه آنها جرأت به شکستن حدود الهی است. از دیگر سو قرآن کریم و روایات، با تبیین قرقگاه الهی و چگونگی اهتمام به آن، راهکار مواجهه با چنین پدیده‌ای را در سه ساحت نگرشی و گرایشی و رفتاری ارائه نموده است. نوشتار پیش رو با روش توصیفی - تحلیلی، ضمن آسیب‌شناسی چالش پیش‌گفته، آثار کاربست قاعده حریم حمی در مواجهه با افراط‌گرایی جنسی در آخرالزمان را تبیین می‌نماید. اجرای چنین قاعده‌ای که مبتنی بر آیات قرآن و روایات معصومان علیهم‌السلام است، نقش اساسی در مواجهه موفق با چالش شهوت‌پرستی و نیز پاسبانی از جامعه منتظر دارد. واژگان کلیدی: اشراط الساعة، جامعه منتظر، قاعده حریم حمی، آخرالزمان.

۱. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم، ایران (نویسنده مسئول) (kh.salimian@isca.ac.ir).

۲. دانشجوی دکتری دانشگاه علامه طباطبایی تهران، ایران (Shahrokh57@gmail.com).

مقدمه

انتظار فرج در میان آموزه‌های مهدویت، به مثابه فرهنگی جامع و تأثیرگذار در نظام فکری شیعه، همواره جایگاهی سترگ داشته و دارد و بزرگان شیعه همواره در شرایط مناسب از این باور در حرکت و پویایی جامعه بهره‌های وافری برده‌اند.

«انتظار»، در لغت به معنای چشمداشت و چشم‌به‌راه بودن (دهخدا، ۱۳۷۳ش: کلمه انتظار) است؛ اما در اصطلاح، به معنای چشم‌به‌راه بودن برای ظهور واپسین ذخیره الهی و آماده شدن برای یاری او در برپایی حکومت عدل و قسط در سراسر گیتی دانسته شده است. به بیانی دیگر انتظار، «کیفیتی روحی است که باعث به وجود آمدن حالت آمادگی (انسان‌ها) برای آنچه انتظار دارند، می‌شود و ضد آن، یأس و ناامیدی است. هرچه انتظار بیشتر باشد و هرچه شعله آن فروزان‌تر و پر فروغ‌تر باشد، تحرک و پویایی او و در نتیجه آمادگی نیز بیشتر خواهد بود» (موسوی اصفهانی، ۱۳۷۹ش: ج ۲، ۲۳۵) و «فَرَج» کلمه‌ای عربی و به معنای «گشایش و رهایی» و در این جا به معنای رهایی و گشایشی است که با ظهور امام دوازدهم برای مردمان دنیا روی می‌دهد.

باور به پیروزی نهایی نیروی حق، صلح و عدالت بر نیروی باطل، ستیز و بیداد، گسترش جهانی ایمان اسلامی، استقرار کامل و همه‌جانبه ارزش‌های انسانی، تشکیل مدینه فاضله و جامعه آرمانی و سرانجام، اجرای این ایده عمومی و انسانی به وسیله شخصیتی عالی قدر که در روایات اسلامی، از او به «مهدی» تعبیر شده است، برخاسته از چشمه سار وحی است؛ از این رو انتظار آن دوران، افزون بر آن که در مجموعه باورهای همه پیروان ادیان آسمانی به چشم می‌خورد، میان مسلمانان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

در روایات اسلامی برای انتظار به گونه‌های مختلفی سخن به میان آمده است. رسول گرامی اسلام ﷺ یکی از نموده‌های بندگی را انتظار فرج دانسته است. (اربلی، ۱۳۸۱ق: ج ۲، ۱۰۱؛ شیخ طوسی، ۱۴۱۴ق: ۴۰۵) و در جایی دیگر انتظار فرج را یکی از برترین عبادت‌ها برشمرده است (شیخ صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۲۸۷؛ ترمذی، بی‌تا: ج ۵، ۵۶۵).

به رغم روشنی و قطعیت معنای راستین انتظار، تفاسیر و برداشت‌های گوناگونی از آن ارائه شده است. بخش عمده این برداشت‌ها، مربوط به فهم اندیشوران و دانشمندان و بخش دیگر، مربوط به برداشت برخی عوام از مسئله انتظار است.

بی‌گمان انتظار سازنده، تحریک بخش و تعهدآور، همان انتظار راستینی است که در روایات،

آن را «با فضیلت‌ترین عبادت‌ها» (شیخ صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۲۸۷؛ ترمذی، بی‌تا: ج ۵، ۵۶۵) و «برترین جهاد امت پیامبر ﷺ» (حرانی، ۱۴۰۴ق: ۳۷) دانسته‌اند.

آنچه به عنوان عنصر کلیدی در همه روایات انتظار بدان اشاره شده این است که انتظار از جنس رفتار و عمل است و از این رو، یک مسلمان نمی‌تواند به دلیل انتظار به ظهور مهدی مصلح، از وظایف مسلم و قطعی خود دست بکشد یا کوتاه بیاید؛ چه، انتظار به ظهور، نه اسقاط تکلیف می‌کند و نه مجوز تأخیر انداختن عمل را می‌دهد. سستی در وظایف دین و بی‌تفاوتی به آن به هیچ وجه جایز نیست (مظفر، ۱۳۸۰ش: ۱۱۸).

با توجه به اهتمام پیشوایان معصوم علیهم‌السلام به جایگاه انتظار، رهبر انقلاب نیز عنصر انتظار را دارای شأنی بس بزرگ دانسته آن را از پُربرتک‌ترین حالات انسان معرفی کرده است (سخنرانی در دیدار با مسئولان و کارکنان وزارتخانه‌ها، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲).

در برابر انتظار راستین، انتظار ویرانگر، فلج‌کننده و بازدارنده که در واقع نوعی «اباحی‌گری» است، همواره مورد مذمت و سرزنش بزرگان دین قرار گرفته و همواره پیروان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام را از آن پرهیز داده‌اند. مرتضی مطهری بر این باور است [این نوع انتظار حاصل] برداشت قشری مردم از مهدویت و قیام و انقلاب مهدی موعود علیه‌السلام است که صرفاً ماهیت انفجاری دارد؛ فقط و فقط از گسترش و اشاعه و رواج ستم‌ها، تبعیض‌ها، اختناق‌ها، حق‌کشی‌ها و تباهی‌ها ناشی می‌شود. نوعی سامان‌یافتن است که معلول پریشان شدن است. آن‌گاه که حق و حقیقت طرفداری نداشته باشد، باطل، یگانه‌تاز میدان گردد و جز نیروی باطل، نیرویی حکومت نکند و فرد صالحی در جهان یافت نشود، این انفجار رخ می‌دهد و دست غیب برای نجات حقیقت - نه اهل حقیقت؛ زیرا حقیقت، طرفداری ندارد - از آستین بیرون می‌آید؛ بنابراین هر اصلاحی محکوم است؛ زیرا هر اصلاح يك نقطه روشن است و تا در صحنه اجتماع، نقطه روشنی هست دست غیب ظاهر نمی‌شود. برعکس، هر گناه، فساد، ستم، تبعیض، حق‌کشی و هر پلیدی - به حکم این که مقدمه صلاح کلی است و انفجار را قریب‌الوقوع می‌کند - روا است؛ زیرا [هدف وسیله‌های نامشروع را مشروع می‌کند]؛ پس بهترین کمک به تسریع در ظهور و بهترین شکل انتظار، ترویج و اشاعه فساد است.

این نوع برداشت از ظهور و قیام مهدی موعود علیه‌السلام و این نوع انتظار فرج که به نوعی تعطیل در حدود و مقررات اسلامی منجر می‌شود و نوعی «اباحی‌گری» باید شمرده شود، به هیچ وجه با موازین اسلامی و قرآنی وفق نمی‌دهد (مطهری، ۱۳۷۹ش: ۵۴ «با تصرّف»).

بنیانگذار نظام اسلامی ایران، پس از بیان برداشت‌های نادرست از انتظار، به شدت کسانی را که چنین تصویری دارند، را مذمت کرده است (خمینی، ۱۳۷۹ ش: ج ۲۱ «۱۴» فروردین ۱۳۶۷ ش)».

بنابراین منتظر راستین، برای چنان برنامه مهمی، هرگز نمی‌تواند نقش تماشاگر را داشته باشد؛ بلکه باید از هم اکنون به طور حتم در صف یاران آن حضرت قرار گیرد؛ چرا که ایمان به نتایج و عاقبت این تحوّل بزرگ، هرگز به او اجازه نمی‌دهد در صف مخالفان باشد و قرار گرفتن در صف موافقان نیز محتاج داشتن «اعمال پاک» و «روحی پاک‌تر» و برخورداری از «شهامت» و «آگاهی» کافی است.

در دوران معاصر و پس از انقلاب شکوهمند اسلامی ایران عنصر انتظار شکوه بیشتری یافت و در نگاه بزرگان دین بیش از گذشته به عنوان ابزاری مؤثر در ایجاد نشاط و پویایی جامعه به کار رفت. از جمله بزرگان، رهبر انقلاب اسلامی ایران نسبت به تبیین انتظار و جایگاه آن در روزگار کنونی سخنان ارزشمندی به میان آورده‌اند.

پژوهش پیش رو در پی تبیین مبانی و اصول روایی انتظار از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای است. این تحقیق به روش توصیفی - تحلیلی به دنبال یافتن پاسخ پرسش زیر است:

مبانی و اصول انتظار از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای بر اساس روایات کدامند؟

مبانی روایی انتظار

آموزه انتظار در حوزه مهدویت از جمله آموزه‌های مهم و اساسی و دارای ابعاد و مؤلفه‌های گوناگونی است که شناخت آنها به شناخت هرچه بهتر مبانی و اصول این آموزه کمک می‌کند، اصولاً مفاهیم در علوم انسانی با مبانی و اصول معنا پیدا می‌کنند. به طور مثال برای فهم معنای انتظار از نگاه مقام معظم رهبری نیازی به مراجعه به کتاب لغت نیست بلکه با تبیین مبانی و اصول در نگاه ایشان قابل ارائه خواهد بود.

باورها و معتقدات فکری انسان‌ها جهت‌گیری و سمت و سوی حرکت و رویکردهای انسان را در فرآیند زندگی فردی و اجتماعی مشخص می‌کنند. این بخش از افکار و ایده‌ها در اصطلاح «مبانی و زیربنای فکری» نامیده می‌شوند، همان‌گونه که رویکردهای فکری مبتنی بر آن را رو بنیا یا اندیشه می‌خوانند (خسروپناه، ۱۳۹۶ ش: ج ۱، ۳۳۲).

بنابراین در این جا مقصود از مبانی انتظار؛ زیرساخت‌ها و مفاهیم بنیادین آن و اصول و

گزاره‌های مستخرج از آن مبانی است. بر این اساس مبانی روایی انتظار از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای عبارتند از:

۱. کمال‌گرایی؛
۲. امید رسیدن به وضع مطلوب؛
۳. حرکت به سوی مطلوب؛
۴. قطعیت وعده الهی.

۱. کمال‌گرایی

انسان برای رسیدن به کمال و تعالی که خدا در فطرت او قرار داده و مهم‌ترین فلسفه خلقت اوست نیازمند پرورش فضایل اخلاقی، انجام اعمال صالح و... است. در این میان انتظار آینده‌بهرتر و ظهور دولت حق و عدل، در طول تاریخ، مترقی‌ترین آرمان اجتماعی بوده است. فطرت کمال‌گرایی آدمی و ماهیت زندگی بشر با امید به آینده عجین شده و او را به آینده‌ای روشن رهنمون می‌سازد و لذا اعتقاد به مهدویت از اصیل‌ترین ابعاد روح انسانی سرچشمه می‌گیرد و تربیت عالی‌ه او تحقق پیدا می‌کند.

نخستین گام در این کمال‌گرایی، ناخرسندی از وضع موجود است. کسانی که همواره از وضع موجود راضی و قانع هستند به فکر حرکت در مسیر رشد و کمال نخواهند افتاد. در نگاه آیت‌الله خامنه‌ای انسان بر طبق طبیعتش تابع و متمایل به کمال است. اگر بتواند کمال را در خود ایجاد کند، چنین می‌کند؛ وگرنه به کسی که صاحب کمال است، گرایش می‌یابد (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۰۳/۱۳). انسان استعداد دارد که تا آخرین نقطه تعالی حیات ممکنات بالا برود؛ اما سایر موجودات این امکان را ندارند. در آیه شریفه «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» (تین: ۴)، «أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» معنایش این نیست که ما جسم انسان را طوری آفریده‌ایم که اعضای بدنش با یکدیگر تناسب دارند؛ زیرا این مخصوص انسان نیست. در بهترین تقویم بدین معنا است که در بهترین اندازه‌گیری انسان را آفریده‌ایم؛ یعنی آن اندازه‌گیری‌ای است که رشد او دیگر نهایت و اندازه‌ای ندارد و تا آن جایی می‌رود که در عالم وجود، سقفی بالاتر از آن نیست و می‌تواند از فرشتگان و از موجودات عالی و از همه این‌ها بالاتر برود (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲).

این مطلب در عبارات‌های دیگری نیز در سخنان ایشان انعکاس یافته است به گونه‌ای که

در جایی دیگر می فرماید:

انتظار فرج یعنی قبول نکردن و رد کردن آن وضعیتی که بر اثر جهالت انسان ها، بر اثر اغراض بشر بر زندگی انسانیت حاکم شده است. این معنی انتظار فرج است (بیانات آیت- الله خامنه ای، ۱۳۸۷/۰۵/۰۹)

در این سخنان به روشنی قانع نبودن از وضع موجود نخستین گام اساسی برای حرکت به سوی کمال دانسته شده است. این دیدگاه را در جایی دیگر اینگونه مطرح کرده است که انتظار یعنی قانع نشدن، قبول نکردن وضع موجود زندگی انسان و تلاش برای رسیدن به وضع مطلوب، که مسلم است این وضع مطلوب با دست قدرتمند ولی خدا، حضرت حجت بن الحسن، مهدی صاحب زمان علیه السلام تحقق پیدا خواهد کرد. باید خود را به عنوان یک سرباز، به عنوان انسانی که حاضر است برای آن چنان شرائطی مجاهدت کند، آماده کنیم (بیانات آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۷/۰۵/۲۷).

اما درباره این که چرا نباید از وضع موجود قانع و راضی بود به روشنی می توان گفت: شکی نیست که غیبت آخرین پیشوای معصوم علیه السلام، سبب شده برخی از راه های کمال بر انسان و جامعه بسته شود. چه اینکه آنچه در انتظار اهمیت دارد، امید به دستیابی وضع بهتر است که انسان را از رکود و خمودگی دور کند و او را به تلاش در راه رسیدن به وضع مطلوب وا دارد. حال به هر دلیلی، اگر به وضع مطلوب نرسد، خداوند پاداش کسانی را که آن مرحله را درک کنند به او خواهد داد.

بی گمان کسانی که از وضع موجود راضی و قانع هستند هرگز به فکر حرکت و تلاش نخواهند افتاد، همواره در جا می زنند و هرگز رشد نخواهند کرد. در حالی که اساسی ترین فلسفه حیات بشری رشد و حرکت به سوی کمالات متعالی است.

بنابراین، این اصلی اساسی در همه دوره ها است اما، از آن جایی که در مقایسه با دوران حضور ظاهری پیامبران الهی و پیشوایان معصوم علیهم السلام عصر غیبت، دارای کاستی هایی افزون تر است که هر انسان کمال طلب را ناراضی خواهد کرد. این کاستی ها به طور عمده از عدم حضور ظاهری امام ناشی شده است. قانع نبودن بیشتر نمود دارد.

در باور شیعه آخرین پیشوای معصوم به دلایل مختلفی که برخی از آنها بر ما پوشیده است، غایب شده است. (کلینی، ۱۳۶۵ ش: ج ۱، ۳۳۸، ح ۹؛ نعمانی، ۱۳۹۷ ق: ۱۶۶، ح ۶) این پنهان بودن سبب شده است تا جامعه بشری از بسیاری از فواید ظاهری آن امام معصوم علیه السلام بی بهره باشد.

بنابراین از چیزهایی که این قانع نبودن از وضع موجود را به روشنی در نگاه قرار می‌دهد آگاهی به عدم حضور ظاهری امام معصوم علیه السلام است.

بسیاری از مواقع، انسان در زندگی کمبودی دارد؛ اما به سبب آن که به آن کمبود آگاهی ندارد، هرگز در پی رفع آن کمبود هم نمی‌رود و هرگز برای جبران آن کاستی از خود تلاشی نشان نمی‌دهد؛ پس در نخستین مرحله انتظار، می‌بایست آگاه شد که حجت الهی در پرده غیبت است. يك منتظر راستین، کسی است که نه فقط به سبب محروم بودن خود از حضور ظاهری امام وضع موجود را بر نمی‌تابد که محروم بودن جامعه بشری از نعمت حضور ظاهری امام نیز او را آزار می‌دهد.

او همواره از وضع موجود قانع نیست و همواره افق‌های روشن‌تری را تمنا می‌کند و این نخستین بنیان اساسی انتظار است.

او بر خود لازم می‌داند همه عواملی را که باعث غیبت آن حضرت شده است، به اندازه توان خود برطرف کند. رهبر انقلاب پس از اشاره به بایستگی نیاز به عنصر انتظار می‌گوید:

این نیاز همیشگی يك انسان زنده و يك انسان آگاه است؛ انسانی که سر در پيله خود نکرده باشد، به زندگی خود دل خوش نکرده باشد. انسانی که به زندگی عمومی بشر با نگاه کلان نگاه می‌کند، به طور طبیعی حالت انتظار دارد. این معنای انتظار است. انتظار یعنی قانع نشدن، قبول نکردن وضع موجود زندگی انسان... است (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۰۵/۲۷).

این نگاه کلان همان خواهان بودن رفع کاستی‌های وضع موجود است و این نخستین مبناي انتظار درست و گرایش به کمال است.

۲. امید رسیدن به وضع مطلوب

خداوند در نهاد انسان، کمال طلبی را به ودیعه گذاشته به گونه‌ای که تمام فعالیت‌های خود را به سمت آن، هدایت و جهت می‌دهد و به دلیل دارا بودن ظرفیت‌های فراوان، همواره در جهت رشد معنوی و فکری خود در تلاش است.

شاخصه اصلی انسان منتظر که همواره با رویکردی نو به آینده در جست‌وجوی آرمانی جذاب و پویا است، ناسازگاری با وضع موجود است؛ چون انتظار «بهتر خواستن» است، نه «بهتر دانستن»؛ یعنی انتظار، هیچ‌گاه آنچه را که «هست» کافی نمی‌داند و به هیچ‌وجه از «هست»‌ها راضی نمی‌باشد و همواره به دنبال عملیاتی شدن «بایدها» است، البته نه فقط

اعتقاد، که تلاش و مجاهدت در جهت رهایی از وضع موجود و نه تنها اعتقاد به آن، بلکه خواستار وضع مطلوب بودن است. وضع مطلوب، که در نگاه اسلامی و شیعی در قالب حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام تحقق می‌یابد، بدان دلیل مطلوب است که عدالت را در سطوح مختلف اجرا می‌کند؛ عدالت در سطح رهبران و کارگزاران؛ در سطح قوانین و مقررات؛ در سطح نهادها و ساختارها و تشکیلات و عدالت در سطح عملکردها.

از طرفی نشاط و پویایی بشر در طول دوران زندگی - فردی و اجتماعی - مرهون نعمت «امید» و «انتظار» است. اگر انسان، به آینده امیدی نداشته باشد، زندگی برایش مفهوم چندانی نخواهد داشت. آنچه انسان را به زندگی امیدوار می‌کند و آن را جاذبه‌دار می‌سازد و نگرانی‌ها و ناراحتی‌ها را برای او آسان می‌نماید، انتظار و امید به آینده‌ای روشن و رشدآفرین است که در آن، به همه نیازهای روحی و جسمی او به طور کامل پاسخ داده شود. و البته آدمی در پرتو همین انتظار و امید، رنج‌ها و گرفتاری‌ها را تحمل می‌کند و با کشتی امید و آرزو در دریای متلاطم و طوفان‌زای زندگی، به سیر خود ادامه می‌دهد.

شیعه، با بهره‌گیری از آموزه‌های اهل بیت علیهم السلام، این امید و انتظار به آینده را در متعالی‌ترین نوع خود، فراراه انسان‌های آزاداندیش و آزادی‌خواه قرار داده است. در این ترسیم و توقع، احساس نیاز به وجود امام حاضر نقشی برجسته ایفا می‌کند. ممکن است در عصر پنهان‌زیستی حضرت مهدی علیه السلام کسی به غیبت آن حضرت آگاهی هم نداشته باشد؛ اما هرگز به این دیدگاه نرسیده که جامعه بشری نیازمند چنین رهبری الهی است. به بیان دیگر، فرد هرگز به آن حجت الهی احساس نیاز پیدا نکرده است. او بر این باور است که مردم، چه نیازی به امام معصوم دارند، در حالی که زندگی خود را سپری می‌کنند.

به طور دقیق، این‌گونه است که چنین کسی هرگز نمی‌تواند انتظار ظهور حضرتش را درون خود ایجاد کند. و در مقابل، هرکس احساس نیاز بیشتری به حضور و ظهور امام را در درون خود شاهد باشد، به همان نسبت، روحیه انتظار در او بیشتر است.

آنچه در این مرحله نقشی اساسی ایفا می‌کند یقین به ظهور امام غایب است.^۱ شکی نیست کسانی که به ظهور امام غایب یقین ندارند، در انتظار نیز نخواهند بود؛ بلکه انتظار برای آن‌ها

۱. «لا تقوم الساعة حتى يقوم القائم الحقّ منّا و ذلك حين يأذن الله عزّوجلّ له و من تبعه نجا و من تخلف عنه هلك الله الله عباد الله فأتوه و لو على الثلج فإنّه خليفة الله عزّوجلّ و خليفته» (شیخ صدوق، ۱۳۷۸ق: ج ۲، ۵۹؛ اربلی، ۱۳۸۱ق: ج ۲، ۴۵۹).

بی‌معنا خواهد بود. همان‌گونه که میلیاردها انسان امروزه در حالی زندگی خود را سپری می‌کنند که هرگز در انتظار راستین آمدن چنین انسانی نیستند؛ چون به آمدن چنین شخصی باور قطعی ندارند.

در مقابل، هر قدر آگاهی و یقین شخص به ظهور امام بیشتر و عمیق‌تر باشد، انتظارش به آن، بیشتر است. اگر شك و تردیدی در اصل وقوع آن داشته باشد یا اعتقادش به آن سست و ضعیف باشد، انتظارش هم به همان اندازه کم و ضعیف و سست خواهد بود و چه بسا به صفره برسد.

رهبر معظم انقلاب در جایی حقیقت انتظار را در بیانی مفصل و تشبیهی زیبا این‌گونه می‌فرماید:

اعتقاد به قضیه مهدی و موضوع ظهور و فرَج و انتظار، گنجینه عظیمی است که ملت‌ها می‌توانند از آن بهره‌های فراوانی ببرند. شما کشتی‌ای را در يك دریاى توفانى فرض کنید! اگر کسانى که در این کشتی هستند، عقیده داشته باشند که اطراف‌شان تا هزار فرسنگ، هیچ ساحلى وجود ندارد و آب و نان و وسایل حرکت اندكى داشته باشند، چه کار می‌کنند؟ آیا هیچ تصوّر می‌شود که این‌ها برای آن‌که حرکت کنند و کشتی را پیش ببرند، تلاشی بکنند؟ نه؛ چون به نظر خودشان، مرگشان حتمی است. وقتی انسان مرگش حتمی است، دیگر چه حرکت و تلاشی باید بکنند؟ امید و افقی وجود ندارد.

یکی از کارهایی که می‌توانند انجام دهند، این است که در این مجموعه كوچك، هرکس به کار خودش سرگرم شود. آن کسی که اهل آرام مردن است، بخوابد تا بمیرد و آن‌که اهل تجاوز به دیگران است، حق دیگران را بگیرد تا آن‌که چند ساعتی بیشتر زنده بماند. طور دیگر هم این است که کسانى که در همین کشتی هستند، یقین داشته باشند و بدانند که در نزدیکی شان ساحلى وجود دارد. این‌که آن ساحل دور و یا نزدیک است و چقدر کار دارند تا به آن برسند، معلوم نیست؛ اما قطعاً ساحلى که در دسترس آن‌هاست، وجود دارد. این افراد چه کار می‌کنند؟ تلاش می‌کنند که خود را به آن ساحل برسانند و اگر يك ساعت هم به آنها وقت داده شود، از آن يك ساعت برای حرکت و تلاش صحیح و جهت‌دار، استفاده خواهند برد و فکرشان را روی هم خواهند ریخت و تلاش‌شان را یکی خواهند کرد تا شاید بتوانند خود را به آن ساحل برسانند.

امید، چنین نقشی دارد. همین قدر که امیدی در دل انسان به وجود آمد، مرگ بال‌های خود را جمع می‌کند و کنار می‌رود. امید موجب می‌شود انسان تلاش و حرکت کند، پیش ببرد،

مبارزه کند و زنده بماند. فرض کنید ملتی در زیر سلطه ظالمانه قدرت مسلطی قرار دارد و هیچ امیدی هم ندارد. این ملت مجبور است تسلیم شود. اگر تسلیم نشد، کارهای کور و بی‌جهتی انجام می‌دهد. اما اگر این ملت و جماعت، امیدی در دل‌شان باشد و بدانند که عاقبت خوبی حتماً وجود دارد، چه می‌کنند؟ طبیعی است که مبارزه خواهند کرد و مبارزه را نظم خواهند داد و اگر مانعی در راه مبارزه وجود داشته باشد، آن را برطرف خواهند کرد.

بشریت در طول تاریخ و در حیات اجتماعی، مثل همان سرنشینان یک کشتی توفان زده، همیشه گرفتار مشکلاتی از سوی قدرتمندان و ستمگران و قوی‌دستان و مسلطین بر امور انسان‌های مظلوم بوده است. امید، موجب می‌شود که انسان به مبارزه بپردازد و راه را باز کند و پیش برود. وقتی به شما می‌گویند انتظار بکشید، یعنی این وضعیتی که امروز رنج‌تان می‌دهد و دل‌تان را به درد می‌آورد، ابدی نیست و تمام خواهد شد. ببینید چقدر انسان حیات و نشاط پیدا می‌کند! این، نقش اعتقاد به امام زمان علیه السلام است. این، نقش اعتقاد به مهدی موعود علیه السلام است. این عقیده است که شیعه را تا امروز، از آن همه پیچ و خم‌های عجیب و غریبی که در سر راهش قرار داده بودند، عبور داده است و امروز بحمدالله پرچم عزت و سربلندی اسلام و قرآن، در دست شما ملت مسلمان و شیعه ایران است. هر جا که چنین اعتقادی باشد، همین امید و مبارزه وجود دارد (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷).

ایشان در یک جمع‌بندی انتظار منتظران مهدی موعود علیه السلام، را در درجه اول، انتظار استقرار عدالت دانسته است. (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۰۷/۳۰) نتیجه این‌که کسی که به ظهور امام زمان علیه السلام باورمند است و وقوع آن را هم نزدیک می‌بیند، هر قدر ظهور موعود را بیشتر دوست بدارد، انتظارش برای آن بیشتر خواهد بود و اگر آن را خوش نداشته باشد، انتظارش ضعیف و سست می‌شود. این دوست داشتن فقط زمانی به وجود می‌آید که مؤمنان، تصویر روشنی از زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام داشته باشند، تا این‌که نه فقط از آن نهراسند، بلکه برای وقوعش لحظه‌شماری کنند.

متأسفانه تصویرسازی دوران ظهور حضرت مهدی علیه السلام همواره از افراط‌ها و تفریط‌هایی برخوردار بوده است. گاهی دوران حکومت آن حضرت را سخت‌ترین و تلخ‌ترین دوران یاد می‌کنند و گاهی آن دوران را دوران رفاه و آسایش و تن‌پروری معرفی می‌نمایند که بدون تردید، هر دو تصویر، زیان‌های خود را در باورهای جامعه گذاشته است.

۳. حرکت به سوی مطلوب

پیشوایان معصوم علیهم السلام همواره بر رفتار متناسب در عصر انتظار تأکید کرده‌اند اهمیت تلاش و عمل در عصر انتظار به اندازه‌ای است که امام صادق علیه السلام منتظران بدون عمل را به شدت مذمت و توبیخ کرده می‌فرماید:

مردم در مورد ما به سه دسته‌اند: گروهی دوستدار ما‌یند و منتظر قائم ما هستند تا از دنیای ما نصیب برند، به عقیده ما قائلند و سخن ما را حفظ کرده‌اند ولی از عمل ما کوتاهی ورزند که خداوند ایشان را به دوزخ خواهد برد. گروهی دوستدار ما‌یند و سخن ما را بشنوند و از کردار ما کوتاهی نکنند (اما به این مراد) که به وسیله ما از قبل مردم بخورند، خداوند شکم‌شان را از آتش آکنده کند و گرسنگی و تشنگی را بر آنها چیره فرماید. و گروهی دوستدار ما و حافظ گفتار ما‌یند و از فرمان ما پیروی کنند و با کردار ما مخالفت نوززند، اینان از ما‌یند و ما از آنانیم (حرانی، ۱۴۰۴ق: ۵۱۴).

در تأسی به فرمایشات معصومان علیهم السلام آنان نیز اساس انتظار را حرکت دانسته‌اند. آیت‌الله خامنه‌ای نیز مکرر از اساسی‌ترین بنیان‌های انتظار حرکت از وضع موجود برای رسیدن به وضع مطلوب دانسته، بر این باورند انسان‌ها هرگز با قرار و سکون به رشد و کمال نخواهند رسید.

ایشان معتقدند اگر کسی بخواهد منتظر باشد؛ فقط با گام نهادن در مسیر حرکت به سوی مطلوب است که راست‌آزمایی می‌شود. از این رو است که «جهاد» در ادبیات دینی اسلام به عنوان کوششی سخت و مستمر از جایگاه والایی برخوردار است.

معظم له به روشنی مطرح می‌کنند انتظار حرکت است؛ انتظار سکون نیست؛ انتظار‌رها کردن و نشستن برای این که کار به خودی خود صورت بگیرد، نیست. انتظار حرکت است. انتظار آمادگی است. این آمادگی را باید در وجود خودمان، در محیط پیرامون خودمان حفظ کنیم. و خدای متعال نعمت داده است به مردم عزیز ما، به ملت ایران، که توانسته‌اند این قدم بزرگ را بردارند و فضای انتظار را آماده کنند. این معنای انتظار فرج است. انتظار فرج یعنی کمر بسته بودن، آماده بودن، خود را از همه جهت برای آن هدفی که امام زمان علیه السلام برای آن هدف قیام خواهد کرد، آماده کردن. آن انقلاب بزرگ تاریخی برای آن هدف انجام خواهد گرفت. و او عبارت است از ایجاد عدل و داد، زندگی انسانی، زندگی الهی، عبودیت خدا؛ این معنای انتظار فرج است (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۰۵/۲۷).

ایشان در گفتاری دیگر به صراحت مطرح می‌کنند که این انتظار، تکلیف بردوش انسان

می گذارد. وقتی انسان یقین دارد که يك چنین آینده‌ای هست؛ هم چنانی که در آیات قرآن هست: ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ. إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ﴾ - مردمانی که اهل عبودیت خدا هستند، می فهمند - باید خود را آماده کنند، باید منتظر و مترصد باشند. انتظار لازم‌اش آماده‌سازی خود هست. بدانیم که يك حادثه بزرگ واقع خواهد شد و همیشه منتظر باشید. هیچ وقت نمی شود گفت که حالا سال‌ها یا مدت‌ها مانده است که این اتفاق بیفتد، هیچ وقت هم نمی شود گفت که این حادثه نزدیک است و در همین نزدیکی اتفاق خواهد افتاد. همیشه باید مترصد بود، همیشه باید منتظر بود. انتظار ایجاب می کند که انسان خود را به آن شکلی، به آن صورتی، به آن هیئت و خُلُقی نزدیک کند که در دوران مورد انتظار، آن خُلُق و آن شکل و آن هیئت متوقع است. این لازمۀ انتظار است (بیانات آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۴/۱۸).

ایشان هم چنین تصریح می کند ما آن وقتی می توانیم حقیقتاً منتظر به حساب بیاییم که زمینه را آماده کنیم. برای ظهور مهدی موعود علیه السلام زمینه باید آماده بشود؛ و آن عبارت از عمل کردن به احکام اسلامی و حاکمیت قرآن و اسلام است. همان طور که عرض کردم، فرموده اند: «و الله لتمخّصن» و «و الله لتغربلن»؛ این تمحیص و این امتحان بزرگ که مریدان و شیعیان ولی عصر علیه السلام با آن مواجه هستند، همان امتحان تلاش برای حاکمیت اسلام است. برای حاکمیت اسلام باید کوشش کنید؛ ملت بزرگ ما این يك قدم را برداشتند (بیانات آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰).

البته معظم له ثمره این تلاش را دستیابی به قله‌های قدرت و توانمندی دانسته می فرماید: فرق است بین ملتی که حرکتی نمی کند، ... با آن ملتی که سختی راه را تحمل می کند، ... حرکت می کند و جلو می رود و این حرکت به جلو تا هر وقت که وجود داشته باشد، باعث می شود که درهای فرج به روی آنها باز باشد؛ ... یکی از برکات اعتقاد به مهدویت این است که انسان احساس اطمینان می کند؛ احساس قوت قلب می کند؛ احساس قدرت می کند. ... ما در جبهه‌های جنگ هم جوان‌های خودمان را می دیدیم که به مدد غیبی و به توجه و نظر لطف ولی عصر علیه السلام اعتقاد داشتند و از همان اعتقاد و از همان قوت قلب هم استفاده می کردند و توانایی مضاعف پیدا می کردند و پیش می رفتند (بیانات آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۰۶/۲۹).

البته به این عنصر حرکت در سخنان پیشوایان معصوم علیهم السلام همواره به گونه‌های مختلفی اشاره شده است. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله آن را به عنوان برترین کارهای امت خود معرفی کرده

است (شیخ صدوق، ۱۳۷۸ق: ج ۲، ۳۶؛ همو، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۶۴۴) و یا در جایی دیگر از آن با عنوان برترین جهاد در امت خود یاد کرده است (حرانی، ۱۴۰۴ق: ۳۷) که البته در آموزه‌های دینی، جهاد و کوشش در راه خدا، یکی از مهم‌ترین رفتارهای فردی و گروهی مسلمانان معرفی شده است. آیات فراوانی از قرآن و روایات بسیاری از معصومان علیهم‌السلام به حقیقت این رفتار ارزشمند اشاره کرده است.

۴. قطعی بودن وعده الهی

خداوند در قرآن ۱۵۱ بار در موقعیت‌های متفاوت از واژه «وعد» استفاده نموده که این خود نشان از اهمیت این مطلب دارد، از جمله وعده‌های حق و منطبق با واقعیتی که به مؤمنین داده است، می‌توان به جانشینی صالحان بر زمین اشاره کرد. در این آیه، نتیجه اطاعت خداوند، حکومت جهانی شایستگان دانسته شده است. آن‌جا که می‌فرماید:

خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین، جانشین [خود] قرار دهد؛ همان‌گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند، جانشین [خود] قرار داد. و آن دینی را که برایشان پسندیده است، به سودشان مستقر کند و بیم‌شان را به ایمنی مبدل گرداند، [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند و هرکس پس از آن به کفر گراید؛ آنانند که نافرمانند (نور: ۵۵).

بعد از این برتری و فراگیری حکومت توحید و استقرار آیین الهی و از میان رفتن هرگونه اضطراب، ناامنی و شرک، کسانی که بعد از آن کفر بورزند، به یقین فاسق واقعی خواهند بود! گفتنی است از مهم‌ترین وظایف در دوران غیبت ثبات قدم در دینداری و اطمینان به وعده الهی است که جز با تلاش و کوشش حاصل نمی‌شود در این باره از امیر مؤمنان علیه‌السلام نقل است که فرمود:

لِلْقَائِمِ مِنَّا غَيْبَةٌ... أَلَا فَسَنُثَبِّتُ مِنْهُمْ عَلَى دِينِهِ وَلَمْ يَفُشْ قَلْبُهُ لِطُولِ أَمَدِ غَيْبَةِ إِمَامِهِ فَهُوَ مَعِيَ فِي دَرَجَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛

برای قائم ما غیبتی است... بدانید هر که در آن دوران در دینش استوار باشد و قلبش به واسطه طول غیبت امامش سخت نشود او در روز قیامت هم درجه من است (شیخ صدوق ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۳۰۳).

پیشوایان معصوم علیهم‌السلام با در نظر گرفتن این نکته بنیادین همواره در سخنان نورانی خود، باور قطعی به ظهور آخرین حجت الهی را تقویت کرده، از هرگونه ناامیدی، ایشان را پرهیز

می‌دادند. در این باره رسول گرامی اسلام ﷺ فرمود:

قیامت برپا نمی‌شود، تا این که قیام‌کننده‌ای به حق از خاندان ما قیام کند و این، هنگامی است که خداوند به او اجازه فرماید. هرکس از او پیروی کند، نجات می‌یابد و هرکس از او سربپیچد، هلاک خواهد شد (شیخ صدوق، ۱۳۷۸ق: ج ۲، ۵۹؛ اربلی، ۱۳۸۱ق: ج ۲، ۴۵۹).

مقام معظم رهبری مهدویت را وعده‌ی خداوند به مؤمنان و مستضعفان دانسته و این‌گونه بیان داشته که:

مسئله امام زمان ﷺ مسئله عجیبی است؛ وعده‌ای است که خدای متعال به مؤمنان و مستضعفین زمین داده است: «السلام علیک یا وعدالله الذی ضمینه». وعده کرده است خدای متعال که بساط ظلم و جور و تبعیض را در یک برهه‌ای از زمان از سراسر دنیا برچیند و گردنکشان و ستمگران و طاغوت‌ها و حکام جائر و نظام‌های ظلم و عدوان را ریشه‌کن کند و سراسر روی زمین با حکومت عدل، با عدالت کامل، با برتری انسان‌های صالح و با کنار گذاشتن انسان‌های پلید و خبیث، مزین و منور کند، این وعده کوچکی نیست (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۷/۱/۱۲).

وجود مقدس امام زمان ﷺ، مصداق وعده‌ی الهی است و تحقق این وعده و میثاق الهی را خود خدا ضمانت کرده:

این ولادت بزرگ [ولادت امام زمان ﷺ] و این حقیقت عظیم، متعلق به یک ملت و یک زمان خاص نیست؛ بلکه متعلق به بشریت است. این «میثاق الله الذی أخذہ و وکده»، میثاق خدا با انسان است. «وعدالله الذی ضمینه»؛ این، وعده‌ی خداست که تحقق آن را ضمانت کرده است (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷).

اصول روایی انتظار

واژه اصول جمع اصل و در لغت به معنای ریشه، بیخ، بنیاد، گوهر و... آمده است. و اصل هر چیز، آن است که وجود آن چیز بدان متکی است و در اصطلاح علوم نیز به همین معنا به کار می‌رود.

واژه اصل در زبان فارسی معادل واژه انگلیسی Principle است. گاه مقصود از اصل، بیخ، بن و ریشه است و برای بحث درباره هر امری باید به ریشه و اساس واقعی آن توجه کرد. در این معنا، اصل در مقابل فرع قرار دارد. در قرآن کریم اصل در معنای ریشه و بنیان و اساس مورد استفاده قرار گرفته است (ابراهیم: ۲۴؛ صافات: ۶۴).

«مبانی» جمع «مبنی» از ریشه «بنی» است و به معنای پایه و اساس ثابت هر چیزی است (تهانوی، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ۱۵۹؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ج ۱، ۶۴۷) در اصطلاح نامه فلسفی واژه‌هایی چون مبادی، اصول، ارکان، دکترین، شالوده و قواعد مترادف با واژه مبانی آمده است (حسینی دشتی، بی تا: ج ۲، ۱۸۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۶ق: ذیل واژه مبانی).

با توجه به آنچه در بیان معنای اصول و مبانی گفته شد می‌توان گفت: اصول بر مبانی استوار هستند و براساس مبانی و از دل آنها استخراج و سپس مرحله پیاده‌سازی دیدگاه‌ها آغاز می‌گردد. براساس و از دل مبانی روایی انتظار، می‌توان به اصولی رسید که این اصول منتظران مهدی موعود عجل الله فرجه را در نزدیک شدن به منتظر واقعی و شبیه شدن به منتظر یاری می‌کنند. از منظر آیت‌الله خامنه‌ای اصول روایی انتظار عبارتند از:

۱. سازنده بودن انتظار

یکی از اندیشه‌وران معاصر، با بیان این که برخی دوست دارند حالت انتظار را يك مسئله روانی ناشی از حرمان در اقشار محروم جامعه و تاریخ تفسیر کنند و حالت فرار از واقعیت گرانبار یا مشقت‌ها به سوی تصور آینده‌ای که محرومان در آن بتوانند تمام حقوق از دست رفته و سیادت‌شان را بازپس گیرند، نوشته است:

این گمانه، نوعی خیال‌بافی یا نوعی گریز از دامن واقعیت به آغوش تخیل است (محمد مهدی آصفی، ۱۳۸۱ش).

سازنده بودن انتظار، به معنای تحرك بخش و تعهدآور بودن، آن است که در روایات، آن را «با فضیلت‌ترین عبادت» و «برترین جهاد امت پیامبر ص» دانسته‌اند.

مرحوم مظفر در گفتاری کوتاه و جامع، انتظار را این گونه تفسیر کرده است که: معنای انتظار ظهور مصلح حقیقی و نجات بخش الهی حضرت مهدی عجل الله فرجه این نیست که مسلمانان در وظایف دینی خود دست روی دست گذاشته و در آنچه بر آنها واجب است، مانند یاری حق، زنده کردن قوانین و دستوره‌های دینی، جهاد و امر به معروف و نهی از منکر فروگذاری کنند و به این امید که قائم آل محمد عجل الله فرجه بیاید و کارها را درست کند، از آنها دست بردارند. هر مسلمان، موظف است خود را به انجام دستوره‌های اسلام مکلف بداند؛ برای شناسایی دین از راه صحیح، از هیچ کوششی فروگذاری نکند و به توانایی خود از امر به معروف و نهی از منکر دست نکشد.

براین اساس، یک مسلمان نمی‌تواند به دلیل انتظار به ظهور مهدی مصلح، از وظایف

مسلم و قطعی خود دست بکشد یا کوتاه بیاید؛ چه، انتظار به ظهور، نه اسقاط تکلیف می کند و نه مجوز تأخیر انداختن عمل را می دهد. سستی در وظایف دین و بی تفاوتی به آن به هیچ وجه جایز نیست (مظفر، ۱۳۸۰ ش: ۱۱۸).

مسلمان با درس انتظار فرج می آموزد که هیچ بن بستى در زندگی فردی و اجتماعی بشر وجود ندارد که نشود آن را باز کرد و لازم باشد که انسان ناامید دست روی دست بگذارد، بنشیند و بگوید دیگر کاری نمی شود کرد. وقتی در نهایت زندگی انسان، در مقابله با این همه حرکت ظالمانه و ستمگرانه، خورشید فرج ظهور خواهد کرد؛ پس در بن بست های جاری زندگی هم همین فرج متوقع و مورد انتظار است. این درس انتظار واقعی و امید به همه انسان ها است (بیانات آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۴/۰۶/۲۹).

بنابراین از آن جایی که انتظار فرج را افضل اعمال دانسته اند؛ معلوم می شود انتظار از سنخ عمل، تلاش، آماده سازی، تقویت انگیزه، نشاط، حرکت و پویایی در تمام زمینه ها است؛ نه بی عملی و دست روی دست گذاشتن. (همان)

۲. اقتدار انتظار

از آن جایی که لازمه انتظار قیامی که در پس فرج و ظهور امام مهدی علیه السلام اقتدار و توان مقابله با دشمنان آن حضرت است همواره توانمندی و اقتدار مورد تأکید پیشوایان معصوم علیهم السلام در این انتظار فعال توصیه شده است. امام صادق علیه السلام درباره آمادگی برای ظهور تأکید کرده اند آن جا که می فرمایند:

لَيُعَدَّنَ أَحَدُكُمْ لَخُرُوجِ الْقَائِمِ وَلَوْ سَهْمًا فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا عَلِمَ ذَلِكَ مِنْ نَبِيٍّ رَجَوْتُ لِأَنَّ
يُنْسِي فِي عُمُرِهِ حَتَّى يَدْرِكُهُ فَيَكُونُ مِنْ أَعْوَانِهِ وَ أَنْصَارِهِ؛

هر يك از شما باید برای خروج قائم آماده کند هر چند يك تیر، که خدای تعالی هرگاه از نیت او آن را بداند امیدوارم که در عمر او تأخیر اندازد تا آن که قائم را درك کند [و از یاران و یاوران او باشد] (نعمانی، ۱۳۹۷ ق: ۳۲۰).

بنابراین، از آن جایی که انتظار حرکت به سوی رشد و کمال است در درون خود نوعی اقتدار به همراه دارد. رهبر عظیم الشان انقلاب بر این باور است که جامعه ای که به خداوند معتقد است و به مهدویت باور دارد؛ هرگز تسلیم و مرعوب نمی شود و از میدان خارج نمی گردد (بیانات آیت الله خامنه ای، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷).

در جایی دیگر می‌فرماید: اعتقاد به مهدویت هم چون روح در کالبد و خون در بدن؛ سبب حیات امت‌ها و خسته نشدن آنان از تلاش و مبارزه می‌شود (همان). یکی از برکات اعتقاد به مهدویت و انتظار این است که انسان احساس اطمینان، قوت قلب و قدرت می‌کند توانایی مواجهه و مبارزه با استکبار و استعمار را می‌یابد (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۰۶/۲۹).

۳. معنویت انتظار

معنویت را از نیازهای فطری هر انسان می‌توان برشمرد. و انتظار در تأمین بخشی قابل توجه از این معنویت نقشی اساسی دارد. رهبر انقلاب در این باره می‌فرماید:

معنویت در وجود يك انسان، برای او مایه هدف دار شدن است، زندگی او را معنادار کرده و به آن جهت می‌دهد. هم چنان که آرمان‌های معنوی و اخلاقی، زندگی يك جامعه، ملت و کشور را جهت‌دار می‌کند و به تلاش و مبارزه آنها معنا می‌دهد و برای آنان هویت می‌سازد (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۰۷/۱۷).

معظم له بر این باور است که بزرگ‌ترین وظیفه منتظران امام زمان علیه السلام این است که از لحاظ معنوی، اخلاقی و عملی و پیوندهای دینی، اعتقادی و عاطفی با مؤمنین و هم‌چنین برای پنجه درافکندن با زورگویان، خود را آماده کنند (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۰۷/۳۰).

کسی که به مهدویت و انتظار اعتقاد دارد، چون با مرکز تفصّلات الهی، نقطه اصلی و کانون شعاع رحمت حق رابطه‌ای روحی برقرار می‌کند؛ توفیق بیشتری برای برخورداری از وسایل عروج روحی و تقرب الی الله دارد. به همین دلیل است که اهل معنا و باطن در توسّلات معنوی خویش، این بزرگوار را مورد توجّه و نظر دائمی قرار می‌دهند و به آن حضرت توسّل می‌جویند و توجّه می‌کنند. نفس پیوند قلبی و تذکّر و توجّه روحی به آن مظهر رحمت، قدرت و عدل حق تعالی، انسان را عروج و رشد می‌دهد و وسیله پیشرفت انسان را - از جهت روحی و معنوی - فراهم می‌کند (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷).

نتیجه‌گیری

با توجه به مبانی و اصولی که در کلام پیشوایان معصوم علیهم السلام مطرح شده و بر اندیشه و منظومه فکری و جهت‌گیری‌های عملی آیت‌الله خامنه‌ای تأثیر گذاشته است. انتظار؛ با اقسام و آثار مختلف و برداشت‌های آن را تعریف نموده است بنابراین در این جا مقصود از مبانی

انتظار؛ زیرساخت‌ها و مفاهیم بنیادین آن و اصول و گزاره‌های مستخرج از آن مبانی است. لذا می‌توان گفت مبانی روایی انتظار از نگاه ایشان عبارتند از: کمال‌گرایی؛ شناخت و ترسیم و امید رسیدن به وضع مطلوب؛ حرکت از وضع موجود برای رسیدن به وضع مطلوب؛ قطعیت وعده الهی. هم‌چنین بر اساس مبانی یاد شده؛ سازنده بودن انتظار؛ اقتدار انتظار و معنویت انتظار؛ از اصول انتظار در نگاه آیت‌الله خامنه‌ای به شمار می‌آید.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی بن حسین (۱۳۷۸ق)، *عیون اخبار الرضا* علیه السلام، تهران، جهان.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی بن حسین (۱۳۹۵ق)، *کمال‌الدین و تمام النعمة*، قم، دارالکتب الاسلامیه.
۳. ابن منظور (۱۴۱۶ق)، *لسان‌العرب*، تحقیق: داراحیاء التراث العربی، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی.
۴. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق)، *کشف‌الغمة فی معرفة الائمة*، تبریز، مکتبه بنی‌هاشمی.
۵. ترمذی، محمد بن عیسی (بی‌تا)، *سنن*، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۶. تهبانوی، محمد علی بن علی (۱۴۰۴ق)، *کشاف اصطلاحات الفنون*، استانبول، دار قهرمان.
۷. حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، *تحف العقول عن آل الرسول*، تصحیح: علی‌اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
۸. حسینی دشتی، سیدمصطفی (بی‌تا)، *معارف و معاریف*، بی‌جا، دائرة المعارف جامع اسلامی.
۹. خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۶ش)، *منظومه فکری آیت‌الله العظمی خامنه‌ای*، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۰. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳ش)، *لغت‌نامه*، تهران، دانشگاه تهران.
۱۱. راغب اصفهانی (۱۴۱۲ق)، *مفردات*، بیروت، دارالاسلامیه.
۱۲. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، *الأمالی*، قم، دارالثقافه.
۱۳. کشی، محمد بن عمر (۱۳۴۸ش)، *رجال*، مشهد، دانشگاه مشهد.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵ش)، *کافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۵. مطهری، مرتضی (۱۳۷۹ش)، *قیام و انقلاب مهدی* علیه السلام، قم، صدرا.

۱۶. مظفر، محمدرضا (۱۳۸۰ش)، *عقاید الامامیه*، ترجمه: علیرضا مسجدجامعی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۷. موسوی اصفهانی، سید محمد تقی (۱۳۷۹ش)، *مکیال المکارم*، ترجمه: سیدمهدی حائری قزوینی، بی‌جا، دفتر تحقیقات و انتشارات بدر.
۱۸. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۹ش)، *صحیفه*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۹. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، *النجیه*، تهران، مکتبه الصدوق.
۲۰. سایت مقام معظم رهبری: www.khamenei.ir